

پورداوود دست‌پرورده‌ی انقلاب مشروطیت

و دل‌سوخته‌ی ایران

به مناسبت آغاز صد و نوزدهمین سال تولد پورداوود

تحقیق و گردآوری: اشکان غایبی

متن زیر خلاصه‌ای از تلاش‌ها و کوشش‌های فراوان استاد ارجمند اشکان غایبی است که با وجود سن کم از تجربه‌ی بسیار بالایی در عرصه‌ی فرهنگ و ادب برخوردار است. وی که با گذشت سیزده سال از درگذشت استاد ابراهیم پورداوود در رشت دیده، به جهان گشود در سن بیست و دو سالگی توانست بخش‌هایی از اوستا (گات‌ها و سینا) را به زبان گیلکی ترجمه کند. استاد اشکان غایبی که هم‌اکنون بیست و سه سال دارد سراینده‌ی بیش از دو هزار بیت شعر، نویسنده‌ی چند داستان تاریخی، لیبر و اسپانسر اقلیت‌های قومی و دینی ساکن در گیلان، سازماندهی‌کننده‌ی گروه‌های فرهنگی و ادبی و نخستین برگزارکننده‌ی جشن‌های ملی و باستانی باشکوه فراوان در استان‌های گیلان و مازندران می‌باشد. جای دارد در این جا به پاس این خدمات یک خسته نباشید جانانه به اشکان غایبی بگوییم.

با سپاس ر - بهرامی

پورداوود، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و پژوهشگر توانمند ایرانی در ۱۵ اسفند ۱۲۶۴ خورشیدی در محله‌ی سبزه‌میدان رشت به دنیا آمد و در ۲۶ آبان ۱۳۴۷ در تهران جان به جان آفرین تسلیم کرد و مطابق وصیتش در رشت، در آرامگاه خانوادگی خود به خاک سپرده شد. پورداوود در سال ۱۲۸۴ خورشیدی به تهران رفت و به‌اختیار خود از علوم متداول زمان، طب قدیم ایران را برگزید و از محضر درس مرحوم میرزا محمد حسین،

سلطان‌الفلاسفه استفاده کرد. چند ماهی نیز در مدرسه‌ی آلیانس فرانسه، مقدمات زبان فرانسه را آموخت و در همان ایام، همراه با جوانان مشروطه‌طلب به‌فعالیت پرداخت. در سال ۱۲۸۷ خورشیدی، چند روز پیش از وفات مظفرالدین شاه قاجار، از راه کرمانشاه، بغداد و حلب به بیروت رفت و در آموزشگاه لاییک، مدت دو سال به تحصیل ادبیات فرانسه پرداخت. در شهریورماه ۱۲۸۹ راهی فرانسه شد. وی نخست در یکی از دبیرستان‌های فرانسه به تحصیل علوم مقدماتی پرداخت و سپس در پاریس به تحصیل در رشته‌ی حقوق مشغول شد و از محضر استادانی چون شارل ژید و پلاتیول استفاده کرد. در همین ایام به همراهی چند تن از ایرانیان بر علیه مظالم دولت تزاری روس، میتینگ‌ی در پاریس برپا کرد و نیز به یاری جمعی از ایرانیان باذوق، انجمن ادبی را در پاریس تاسیس کرد.

در سال ۱۲۹۴ از راه فرانسه، سوییس، آلمان، اتریش، رومانی و بلغارستان، ترکیه و سوریه به بغداد رفت و در آن‌جا روزنامه‌ای به نام رستخیز تاسیس کرد. پس از تصرف کت‌الاماره به وسیله‌ی قشون انگلیس، خود را به ایران رساند و مدتی در کرمانشاه به سر برد تا این که این شهر به دست روس‌ها افتاد. در این هنگام بار دیگر خود را از قصر شیرین به بغداد رساند. در بغداد، عثمانی‌ها او را از انتشار روزنامه‌ی رستخیز، بازداشتند و ناچار پس از چند ماهی همراه مهاجران ایرانی رهسپار حلب و استانبول شد. در استانبول به خاطر مخالفت سفیر ایران، عثمانی‌ها به‌وی مطنون شدند و از اجازه‌ی خروج به‌وی امتناع ورزیدند، اما پس از چند ماه تلاش توانست خود را از طریق کشورهای بالکان به آلمان برساند.

او در سال ۱۲۹۵ خورشیدی در دانشگاه برلین و سپس در دانشگاهی دیگر در شهر ارلانگن به ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی حقوق پرداخت. در شهریورماه ۱۲۹۹ در آلمان ازدواج کرد و در سال ۱۳۰۳ به همراه همسر و فرزندش (پوران‌دخت)، از راه مسکو و باکو به ایران آمد.

در سال ۱۳۰۴ به بغداد و از آن‌جا به هندوستان رفت و به انتشار و تفسیر بخشی از اوستا توفیق یافت. در هند بارابیندرانات تاگور، شاعر و فیلسوف نامدار هند، آشنا و دوست شد. در سال ۱۳۱۰ پس از مراجعت به برلین به نشر بخش دیگری از اوستا پرداخت. در سال ۱۳۱۱ دوباره به هندوستان رفت و پس از دو سال تدریس در دانشگاه شانئی نیکتان

به آلمان برگشت. استاد ابراهیم پورداوود پس از بیست و نه سال مسافرت، در بهمن ۱۳۱۶ به وطن بازگشت و در دانشگاه تهران با سمت استادی به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۱۷ در شمار اعضای ثابت فرهنگستان ایران درآمد. در اسفند ۱۳۲۳ به عضویت هیات اعزامی فرهنگی ایران منصوب و به همراه علی اصغر حکمت و رشید یاسمی به هند عزیمت کرد و مدت هفتاد روز به بازدید بنگاه‌های فرهنگی هندوستان پرداخت.

آثار پورداوود

۱. تفسیر اوستا، گات‌ها (دو جلد)، یشت‌ها (دو جلد)، خرده اوستا (یک جلد)، یسنا (دو جلد)، وندیداد (یک جلد) و ویسپرد (یک جلد).
۲. ایرانشاه (یک جلد)، شرح مهاجرت زرتشتیان ایران به هندوستان.
۳. گفت و شنود پارسی، شامل بیست و هشت موضوع ساده برای آموختن زبان پارسی به هندی‌ها.
۴. بیست مقاله‌ی فزونی (جزو اول)
۵. صد بند تاگور (برگردان)
۶. هر مزدنامه.
۷. آناهیتا، پنجاه گفتار پورداوود.
۸. پورانداخت نامه شامل قصاید، غزلیات و...
۹. یزدگرد شهریار، مثنوی شامل ۱۹۷ بیت در مورد کشته شدن یزدگرد سوم و ویران شدن ایران به وسیله‌ی اعراب.

سخن‌رانی‌های پورداوود

آیین و تاریخ لغت ایران مهر (توضیحاتی درباره‌ی واژه‌ی مهر و تاثیر آن در ادیان، توران، تاریخ زرتشت، اشاراتی که در تاریخ و ادبیات ایران در خصوص بودا است، نظر اجمالی به تاریخ ایران، سوشیانس موعود مزدیسنا، ایرانشاه (معرفی آتش بهرام)، پیشوایان دین مزدیسنا، تقویم و فرقه‌های دین مزدیسنا، زبان فارسی، فروردین، دروغ، ایران قدیم و نرو سخن‌رانی‌های بسیاری که به صورت مجموعه‌هایی به چاپ رسیده است.

گئوتم (در فقره‌ی فروردین یشت) پیام به پارسیان، پارسی، سلسله مقاله‌های استاد در خصوص تفاسیر اوستا در مجله‌ی ایران لیگ، نامه‌ی یزدگرد دوم به عیسویان ارمنستان، نگاهی به روزگار گذشته‌ی ایران و پیشگویی بهمن‌یشت از فتنه‌ی مغولان، زمان زرتشت نام‌های دوازده ماه ایرانی، سوگند، شاهین، نشان ایران باستان، راد، دادستان، دادور، میهن، دساتیر، فروردین، اسب، خرنستر، سگ، کلمه‌ی فرهنگستان، حقوق در ایران باستان، انکساریا، زرتشت، کشاورزی در ایران باستان و مقاله‌های بسیار دیگری که در جراید و مجله‌های ایران، هند و اروپا به چاپ رسیده است.

فعالیت‌های فرهنگی در غربت

استاد پورداوود در سال ۱۲۹۳، ماهنامه‌ی ایرانشهر را به یاری علامه‌ی فقید، قزوینی و مرحوم اشرف‌زاده‌ی تبریزی در پاریس انتشار داد. این ماهنامه تنها چهار ماه به چاپ رسید و جنگ جهانی اول موجب تعطیلی آن شد.

روزنامه‌ی دیگری به نام رستخیز با صاحب امتیازی و سردبیری پورداوود در بغداد و کرمانشاه منتشر می‌شد که پس از انتشار بیست و پنجمین شماره‌ی آن به وسیله‌ی دولت عثمانی توقیف شد.

سرمقاله‌های آتشین این روزنامه که مبین بی‌کفایتی و خودفروختگی زمامداران ترک‌تبار وقت و افشاکنده‌ی توطئه‌های دول استعمارگر روس و انگلیس بود، تاثیر به‌سزایی در افکار جوانان داشت.

عصاره‌ی کوشش‌های علمی و فرهنگی استاد پورداوود در طول دوران زندگی در زمینه‌ی متون باستانی ایران، اساتیر ایرانی و بازخوانی کتاب‌های دینی ایران باستان بوده است. این پژوهشگر برجسته‌ی رشتی که در سطح جهان شهره بود و هست، با کمال تأسف مورد بی‌مهری قرار گرفت.

استاد ابراهیم پورداوود از مفاخر کشور و ملت ماست. از مفاخر هر کشور و جامعه‌ای باید به‌نیک‌ی یاد کرد. آرامگاه پورداوود که به حال خود رها شده و مورد بی‌توجهی قرار گرفته بود، بعد از ۳۰ سال به‌همت سازمان میراث فرهنگی استان گیلان بازگشایی شد و مورد مرمت و تعمیرات اساسی قرار گرفت.

آرامگاه استاد پورداوود که در محله‌ی سبزه‌میدان رشت، کوچه‌ی کبابی، جنب اداره‌ی آموزش و پرورش ناحیه‌ی یک رشت قرار دارد، ساختمان یک طبقه‌ی کوچک است از سنگ و گچ و چوب و آجر و پنجره‌هایی از آهن، کل مساحت آن از ۲۴ مترمربع تجاوز نمی‌کند این بنا در سال ۱۳۴۷ (سال مرگ استاد) به وسیله‌ی خانواده‌ی آن مرحوم روی زمین شخصی ساخته شده و معمار آن محلی بوده است.

بنا، از نظر تاریخی قدمتی ندارد اما ارزش آن از دید کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، از نظر معماری و استحکام، خوب و از نظر هنری به خاطر داشتن نوعی آینه‌کاری و گچ‌بری متوسط اعلام شده است.

خصوصیات بارز بنا در وجود هفت پنجره‌ی گنبدی شکل آن است. سقف داخلی با گچ‌بری و آینه‌کاری تزیین یافته که چون در ۳۰ سال گذشته مورد بازدید قرار نگرفته بود، بر اثر رطوبت شدید به بخش‌هایی از آن صدمه وارد شد که به‌تازگی به کوشش سازمان میراث فرهنگی استان گیلان و با استفاده از اعتبارهای حفظ آرامگاه‌های حوزه‌ی معاونت حفظ و احیای سازمان میراث فرهنگی در عرض ۲ ماه مورد مرمت اساسی و ضروری قرار گرفت. در حال حاضر وضعیت ساختمانی آن از لحاظ پایداری و بروز خطرات احتمالی ناشی از زلزله و امثال آن مناسب اعلام شده است.

چه خوب است با صلاح‌دید کارشناسان و مسولین شهر، طی مراسمی، گزری به‌وادی سلیمان داراب، گورستان بزرگ و مشاهیر گیلان یا به گورستان تازه‌آباد و یا در مکان مناسب دیگری انتقال یابد.

این که پورداوود به‌حد افراط وطن‌دوست بوده و با اعراب عناد داشته، حقیقتی مسلم و غیرقابل انکار است. با این حال اگر با نگاهی منصفانه به بررسی علت‌ها و ریشه‌های چنین طرز تفکری بپردازیم، پی خواهیم برد که این احساسات شدید ناسیونالیستی پورداوود، بازتاب اوضاع سیاسی و اجتماعی عصری است که او در آن رشد یافته و زندگی کرده است.

دوره‌ی کودکی و نوجوانی استاد پورداوود در رشت سپری شد. شهری که در آن زمان از معدود مراکز روشنفکری و مشروطه‌خواهی بود. او در رشت تحت تربیت میرزا عبدالرحیم خلخالی که از آزادی‌خواهان و روشنفکران زمان و از سردمداران مشروطیت بود قرار گرفت، و درست در زمانی راهی تهران شد که پایتخت در تب مبارزات

مشروطه خواهی می سوخت.

پورداوود دست پرورده‌ی انقلاب مشروطیت بود و متأثر از این دوره‌ی توفانی، او شیفته و دلسوخته‌ی ایران بود و به همه چیز از دریچه‌ی پیشرفت و ترقی ایران می‌نگریست. او هرچه کرد برای بلندآوازه کردن نام ایران کرد و هرچه نوشت برای تمدن عظیم ر چند هزارساله‌ی ایران نوشت.

تحقیق در دین زرتشت و ارستاشناسی و تاریخ ایران باستان، استاد پورداوود خود در این باره می‌گوید:

«شاید قصد بنده در نویسندگی با شرحی که دادم هویدا شده باشد که آرزویم شناساندن ایران باستان است به فرزندان کنونی این سرزمین و از این رو مهر و علاقه‌ای نسبت به این مرز و بوم برانگیختن و به یاد پارینه به آبادانی این دیار کوشیدن، آنچه تاکنون در مجلدات تفسیر اوستا و تالیفات دیگر بنده درباره‌ی فرهنگ ایران باستان آمده و مقالاتی که در بسیاری از مجله‌ها از بنده انتشار یافته، خواه در زمینه‌ی تاریخ و لغت و خواه در دین باستان و اخلاق و خواه در آداب و رسوم دیرین، جمله‌ی این‌ها به همین ملاحظه نوشته شده است. الکتریک، گاز، تلگراف، بی‌سیم و حتا چندین کشتی جنگی در دریای خزر و خلیج فارس و انواع و اقسام کارخانه و صنایع همه لازم است ولی مدرسه لازم‌تر است به فرض که تمام وسایل اروپا را در ایران جمع کنیم، با نداشتن سواد و ندانستن راه استعمال آن، همه‌ی آن‌ها را بر ضرر خود به کار خواهیم برد.

یکی از شرط‌های ترقی و رستگاری، پذیرفتن دانش و هنر دنیای متمدن کنونی است. چون آن‌ها مختص به قوم و مملکتی نیست و نتیجه‌ی کوشش چندین هزارساله‌ی اقوام کهن و نو دنیا است، در کمال فروتنی از دست هر که باشد، باید بپذیریم و خود را فرزند برازنده و حق شناس این میراث بشر بشناسانیم. اما برای رسیدن این میراث نباید چشم ما خیره گشته و دیگر ملیت خود را نبینیم و از میراث مقدسی که از نیاکان پارسا و دلیر و سخنور ما به اسم آیین و تاریخ و ادبیات از برای ما مانده است، روی گردانیم.»
